



پرسشگران
دانشجویان اهل سنت ایران

پرسشگران

دانشجویان اهل سنت ایران

شماره نخست / تیرماه ۹۴

اینکه بگوییم استفاده نکنید امکان پذیر نیست

آنچه در این شماره می خوانید:

آسیب شناسی وسایل ارتباط جمعی و شبکه های ماهواره ای
در مصاحبه با مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی
استفاده از ابزارهای جدید الکترونیکی برای اهداف دینی
افسردگی شبکه های اجتماعی
آشنایی با مدرسه دارالعلوم زاهدان
شیوه حفظ قرآن
نمازهای مستحبه در شبانه روز
درسهایی از تاریخ اسلام

... و

به نام خداوند سبحان با تقدیر و تشکر از همه کسانی که ما را در به سامان رسیدن پرسشگران یاری نمودند، به اطلاع همه دستداران و خوانندگان عزیز می‌رساند، پس از یک سال فعالیت و پنج شماره آزمایشی که به صورت داخلی در اختیار خوانندگان قرار گرفت، به لطف الله متعال اولین شماره رسمی پرسشگران منتشر گردید. بدین وسیله از همه همکاران و دوستانی که در شماره‌های گذشته، به هر شکلی به ما کمک کرده بودند، تشکر نموده و از خداوند سبحان موفقیت و عاقبت بخیری را برای آنان مسئلت داریم.

در پایان از همه عزیزانی که می‌توانند ما را در بهتر شدن پرسشگران یاری رسانند، دعوت به عمل می‌آید تا با پیشنهادات و انتقادات خود، راه بهتر شدن را برای ما میسر نمایند.

مصاحبه با علمای دین

با پیشرفت علم و تکنولوژی و روی آوردن پدیده‌هایی مانند اینترنت و امواج تصویری، روز به روز شاهد تغییر این ابزارها و تبدیل شدن آنها به وسائلی برای سهولت در ارتباطات و کم کردن فاصله‌ها هستیم. امروزه وسایل ارتباط جمعی مانند شبکه‌های اجتماعی تحت موبایل، با ضریب نفوذ بسیار بالایی که دارند، به یکی از مهمترین ابزارهای گذران وقت و دست‌یابی به آخرین اخبار و آگاهی از احوال دوستان و آشنایان ما تبدیل شده است. غیر از منافع فراوانی که این وسایل ارتباط جمعی در اختیار کاربران قرار می‌دهند، مضراتی نیز در استفاده آنها وجود دارد که باعث شکل‌گیری ناهنجاری‌هایی در اجتماع گردیده است. جوانان به عنوان مهمترین قشر جامعه، همواره بیشترین رویارویی را با این ابزارها داشته و استفاده صحیح از آنها و در امان ماندن از گزندهای این وسایل از سوالات اصلی این روزهای جوانان می‌باشد.

آیا استفاده از این ابزار به طور مطلق ممنوع است؟ آیا فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای که تاثیر منفی نیز بر فرهنگ و اعتقادات جامعه دارند، مورد تایید است؟ و ...

برای دست‌یابی به پاسخ این سوالات، با تعدادی از علما به گفتگو پرداخته ایم.

در این شماره پای سخنان مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی امام جمعه محترم زاهدان نشسته ایم و سوالات مزبور را از ایشان پرسیده ایم.

با ما همراه باشید.

نمازهای مستحبه در شبانه روز

نام: نماز اشراق - حداقل ۲ رکعت - حداکثر ۴ رکعت

وقت و فواید مختصر: بعد از طلوع آفتاب وقتی قدری بلند شود که زردی آن کاملاً زائل شود. (تقریباً ۲۵ دقیقه)

بهتر آن است که در جایی که نماز صبح را خوانده به ذکر مشغول شود تا اشراق را بخواند، ثواب یک حج و عمره و شکر ۳۶۰ استخوان بدن (حدیث شریف)

نام: نماز چاشت (ضحی) - حداقل ۱۲ الی ۴ رکعت - حداکثر ۱۲ الی ۱۶ رکعت

وقت و فواید مختصر: ابتدا وقت آن هنگامیکه آفتاب زمین را گرم کند (مختار آن است که یک ربع روز بگذرد). انتهای وقت آن نزدیکی زوال آفتاب. فواید: وسیع شدن روزی، حفظ از آفات تا آخر روز.

نام: نماز اوایلین - حداقل ۶ رکعت - حداکثر ۲۰ رکعت

وقت و فواید مختصر: هر کس بعد از نماز مغرب ۶ رکعت نماز نفل ادا کند گناهان او بخشیده میشود. اگر چه مقدار آن حبابهای دریا باشد (حدیث شریف) (رجاء المقبول ص ۲۱۰) - نماز اوایلین از نظر اجر و ثواب مادی و معنوی در درجه دوم بعد از نماز تهجد قرار دارد.

نام: نماز تهجد - حداقل ۲ رکعت - حداکثر ۱۲ رکعت

وقت و فواید مختصر: وقت آن بعد از نیمه شب تا طلوع فجر است. اما بهترین وقت آن ثلث اخیر شب است. قول اصح آنست که قبل از تهجد خواب شرط نیست، حتی بعضی علماء نماز تهجد را بعد از نماز عشاء میدانند. بعد از نماز تهجد هفتاد بار استغفار بگوید. قاضی ثناء الله نماز تهجد را سنت مؤکده گفته: اگر نماز تهجد فوت شود مستحب است که در وقت ضحی قضا کند. فواید: جلاء قلوب، نور قبر، منزلت نزد پروردگار، کفاره گناهان، نهدی از منکرات، حفظ از آفات، سفیدی صورت در روز محشر، گذشتن از صراط مانند برق، تکلم به حکمت.

منبع: الخلیل آنالین





شیوه حفظ قرآن

نقطه شروع حفظ قرآن

حفظ قرآن کریم باید به ترتیب سوره‌ها یعنی از سوره حمد و بقره تا آخر انجام بگیرد ولی از آنجا که جزء اول قرآن از جزء دوم برای حفظ کردن مشکل است و جزء دوم نیز از جزء سوم دشوارتر و ... و بالاخره پنج جزء اول مشکل‌ترین قسمت قرآن است و به عقیده بعضی دانشمندان، هر کس پنج جزء اول قرآن را حفظ کند، باید به حفظ کل قرآن امیدوار گردد.

از این رو شایسته است، برای جلوگیری از دلسردی، حفظ قرآن از آسانترین مکان آغاز شود، پس می‌توان برای ابتدای کار سوره‌های کوتاه جزء سی‌ام را انتخاب کرد، زیرا با توجه به آشنایی زیادی که همگان با این سوره‌ها دارند، آیات آنها به آسانی به خاطر سپرده می‌شود و از طرفی می‌توان از این سوره‌ها در نمازهای واجب و مستحب استفاده نموده و لذت حفظ قرآن را بدین طریق احساس نماید. و باید توجه داشت که پراکنده حفظ کردن مطلوب نیست، بلکه این مقدمه‌ای برای حفظ منظم و حساب شده از ابتدای قرآن است، زیرا برنامه‌ریزی منظم و دقیق زمانی تحقق پیدا خواهد کرد که از اول قرآن آغاز و به انتهای آن بیانجامد.

روش حفظ قرآن و رفع اشکالات بعد از اینکه بحث از مقدمات و لوازم پیش نیاز حفظ، (یعنی اموری که راه را برای به خاطر سپاری هموار می‌سازد و در انسان آمادگی لازم را می‌آفریند) اجمالاً گذشت، جای آن دارد که کار آمدترین روش حفظ نیز بیان شود.

هر شخصی باید با توجه به ظرفیت ویژه و فرصت و زمانی که در اختیار دارد، راهی مناسب را در پیش بگیرد ولی شاید خطا نباشد اگر بگوییم همه راهها در واقع به طرق خاصی منتهی می‌گردد، ولی در جزئیات با یکدیگر مختلف و متفاوتند، آنچه همگان بر آن اتفاق دارند سه اصل عمده است:

۱. تکرار

۲. تمرکز

۳. دقت

حفظ قرآن چیزی جز تکرار نیست و کسانی که یک متن خاص را بارها تکرار می‌کنند، سرانجام آن را به خاطر می‌سپارند و اگر تکرار توأم با تمرکز و دقت نیز باشد نتیجه مضاعف خواهد بود، دقت و تمرکز در امر حفظ از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، همانگونه که می‌بینیم اگر از کسی پرسش شود که پیراهن شما چند دکمه دارد؟ با این حال که روزانه چندین بار آن را می‌پوشد و باز می‌کند، نمی‌تواند آن را به درستی پاسخ گوید. به این خاطر که هنگام باز و بسته کردن دکمه‌ها دقت لازم را نداشته است، در حفظ قرآن نیز دقت در کنار تمرکز و تکرار بسیار لازم و ضروری است.

برای حفظ کردن یک سوره طولانی خوب است، آن سوره به چند دسته از آیات (براساس موضوع و یا آهنگ آیات) تقسیم گردد و هر دسته را جداگانه حفظ کرده و به دسته‌های قبلی متصل کند. البته نیازی نیست حتماً یک دسته را در یک جلسه حفظ نماید، بلکه مهم آن است که در ذهن آن آیات را در یک دسته و مجموعه قرار دهد، با این کار حجم سوره کمتر به نظر

می‌رسد و حافظ تسلط بیشتری بر آن سوره خواهد داشت، مثلاً برای حفظ سوره نباء می‌توان آن را به ۳ گروه از آیات تقسیم کرد، ابتدا از آیه اول تا آیه شانزدهم که غالباً بیان پدیده‌های طبیعی است، در دسته اول و آیات هفدهم تا سی‌ام که در وصف قیامت است در دسته دوم و بقیه آیات در دسته سوم قرار گیرد. آیات به چه صورت حفظ شوند؟

ابتدا باید آیات مشخص شده که دسته‌بندی شده‌اند را چندین بار با دقت تمام و با آئنی تلاوت گردد، بویژه کسانی که قادر به تلاوت قرآن با رعایت تجوید و لحن زیبا هستند می‌توانند آیات را با صوت و با دقت و تمرکز و تعمق بر روی کلمات و حرکات تلاوت نمایند، زیرا این عمل علاوه بر اینکه مانع از اشتباه حفظ کردن کلمات و حرکات می‌گردد، باعث آشنایی کلی با آیات مورد نظر نیز شده که خود عامل مهمی در راحتی و سهولت حفظ است، در این باره قرائت آیات همراه با نوار ترتیل به مراتب بهتر است.

برای حفظ یک آیه کوتاه باید آن را با توجه کامل به حروف و کلمه موجود در آن چندین بار تلاوت کرد، چون حفظ کردن چیزی جز دقت و تأمل قابل توجه بر روی هر یک از کلمات و استقرار آنها در ذهن نیست و تعداد و دفعات تکرار بستگی به توانایی حافظ و استعداد شخص و سخت یا آسان بودن آیه دارد. برخی افراد شاید با یک‌بار خواندن یک آیه کوتاه را به خاطر بسپارد و برخی به تکرار بیشتری نیاز داشته باشند. بنابراین با چندین بار خواندن آیه (البته با دقت و تمرکز نه خواندن معمولی) قسمت زیادی از آیه در ذهن جای می‌گیرد و بعد از آن باید بدون استفاده از قرآن و به کمک حافظه آن را تلاوت کند و هر جا انسان کلماتی را فراموش کرد و نتوانست کلمات مورد نظر را در ذهن خود بیابد به قرآن رجوع نماید و سپس آن را به ذهن بسپارد و چندین بار آن را از حفظ بخواند.

به همین ترتیب در مورد بقیه آیات عمل نماید، تا اینکه بتواند آن را به طور کامل و به راحتی از حفظ بخواند، آن‌گاه آیه را حداقل ۵ بار

از حفظ بخواند تا مطمئن شود آن را خوب به خاطر سپرده است و باید بتواند آن را روان و راحت بخواند نه با دشواری و سختی. و نکته مهم دیگر آن است که تا آیه‌ای را به خوبی حفظ نکرده است، نباید سراغ آیه دیگری برود و در صورت عدم توجه به این مسئله قطعاً با مشکلاتی مواجه خواهد شد.

بعد از اتمام آیه اول و اطمینان به تسلط و استواری حفظ آن می‌تواند سراغ آیه بعد برود و آن را به طریقی که گفته شد حفظ نماید. پس از بخاطر سپردن کامل آن به آیه قبل برگردد و آن را از حفظ بخواند تا متوجه شود که آن را همچنان خوب و روان می‌خواند یا اینکه با اشکالاتی مواجه شده است، در صورت برخورد با اشکال، آن را برطرف نموده و آن‌گاه هر دو آیه اول و دوم را با هم از حفظ بخواند. پس از آن آیه سوم را شروع کرده و پس از فارغ شدن از حفظ آن به طریقی که گفته شد، آیات گذشته را با یکدیگر بخواند و به خاطر بسپارد و به همین روش ادامه دهد تا مقدار آیات مقرر و تنظیم شده به پایان برسد. بعد از آنکه آیات مشخص شده برای یک روز به پایان رسید لازم است چندین بار همه آیات مورد نظر را به ترتیب و روان از حفظ بخواند و اگر به اشکالاتی برخورد کرد با مراجعه به قرآن آن را اصلاح نماید و با تکرار، آن را به ذهن بسپارد.

ترتیب آیات:

لازم است تصویر دقیق مکان هر آیه و بلکه هر کلمه از آیه در صفحه، کاملاً به ذهن انتقال یابد و حافظ برای این کار در هنگام حفظ و یا مرور باید نگاهی دقیق به خط قرآن داشته باشد. همچنین ترتیب آیات نیز بسیار قابل توجه و مهم است و باید آن را به خاطر سپرد، برای حفظ ترتیب دو آیه باید همیشه ابتدا و پایان هر آیه را با تکرار زیاد به خاطر سپرد، و حافظ هنگام مرور یک آیه، مناسب است، انتهای آن آیه را به قسمت ابتدایی آیه بعد متصل و با تکرار زیاد آن بین آن دو ارتباط برقرار کند، به این ترتیب بعد از پایان تلاوت یک آیه خود به خود آیه بعد نیز به خاطر می‌آید.

درسهایی از تاریخ اسلام

تجیفه (رضی الله عنها) به مناظره با عمر فاروق رضی الله عنه می پردازد

در زمان خلافت امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه ، ابو عبیده بن جراح «امین الامه» فرماندار شام بود. اما آنچه مسلم است این که عمر رضی الله عنه شخصیتی حساس، قاطع و دقیق در امور حکومتی خویش بود. او تمام تلاش خویش را مبذول می داشت تا فرامین و دستورات اسلامی مو به مو اجرا گردد.

آن دو مشغول صحبت کردن بودند که ناگهان تجیفه (رضی الله عنها) وارد مجلس آنان شد. به محض این که چشم فاروق رضی الله عنه به تجیفه افتاد با لحنی اعتراض آمیز گفت : آیا تو همسر ابو عبیده هستی؟ او عرض کرد؛ آری، خودم هستم. فاروق رضی الله عنه فرمود : به خدای سوگند که بدبخت خواهم کرد! تجیفه (رضی الله عنها) با تعجب پرسید؛ منظورت منم؟ امیرالمؤمنین فرمود: آری! به خدای سوگند که بدبخت خواهم کرد! آن وقت بود که تجیفه به اصل قضیه پی برد و فهمید که علت عصبانی بودن

کرد؛ نه! به خدای سوگند که او این قدرت را ندارد که مرا بدبخت کند. عمر رضی الله عنه با تعجب پرسید : تو که با این شهامت صحبت می کنی، بگو: پشتوانه تو کیست؟ چه کسی تو را از دست من در امان نگه می دارد؟ اینجا بود که او لب به سخن گشود و با سخنان شیوا و منطقی خود، عمر رضی الله عنه را منقلب کرد. این بزرگ بانوی مسلمان خطاب به فاروق رضی الله عنه فرمود : هان! بگو: آیا تو قدرت داری اسلام را از من سلب کنی؟! آیا می توانی اسلام را از قلب من بیرون آوری؟!

در اوج ایمان و قله های سعادت قرار گرفته است. اکنون که خشم عمر رضی الله عنه فروکش کرده بود و آرامش یافته بود، خطاب به تجیفه (رضی الله عنها) فرمود : خداوند تو را رحمت کند! بدرستی از چنان ایمانی برخوردار شده ای که از تو جدایی ناپذیر است و مطمئنم چنین ایمانی تو را تا فردوس برین قرین و رهنمون خواهد بود. بدین ترتیب، تجیفه که مورد خشم عمر رضی الله عنه قرار گرفته بود با هوشیاری خود توانست اعتماد امیرمؤمنان را جلب کند. ناگفته نماند ابو عبیده رضی الله عنه یکی از ده نفری است که به جنت بشارت داده شده است.

منبع: کتاب اسوه های راستین برای زن مسلمان
تألیف: احمد الجدع
ترجمه: عبدالصمد مرتضوی

یک آیه، یک درس

سوء ظن یکی از خصلتهای بدی است که قرآن و سنت مسلمانان را از آن بر حذر داشته اند و در اسلام اصل و اساس بر این است که مسلمان را بر صالح بودن حمل کنید و جز خیر گمان دیگری بر آن نداشته باشد و بنا بر غالب بودن جانب خیر بر جانب شر، اعمال او را همیشه بر وجه نیکو حمل کنید، خداوند می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ** و [الحجرات ۱۲]: ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید. زیرا برخی از گمانها گناه است. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم هم می فرماید: **«إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ»** یعنی خود را از گمان بر حذر دارید زیرا گمان دروغترین و بدترین سخن است (و منظور از آن سوء ظنی است که در آن دلیل قطعی نباشد).

صحیح البخاری، رقم الحدیث، ۵۱۴۳، چاپ دوم، ۱۹۹۹م، دار السلام ریاض، سعودی.



عمر رضی الله عنه ، همان هدیه ای است که از طرف پادشاه روم ارسال شده است. سپس شروع به توضیح دادن مطلب کرد و در پایان گفت : «ای امیرالمؤمنین، بدان و آگاه باش که شما با تمام عزت و اقتدار خود قدرت بدبخت کردن را ندارید.» این جسارت تجیفه (رضی الله عنها) همسر او را عصبانی کرد به طوری که به اعتراض علیه او برخاست و خطاب به امیرالمؤمنین گفت : آری! ای امیرمؤمنان، خداوند تو را معین کرده است که او را بدبخت کنی. چنین زنی باید ادب شود. او حقش است که بدبختش کنی! تجیفه (رضی الله عنها) برای بار دوم با کمال جرأت و شهامت عرض کرد؛ نه! به خدای سوگند که او این قدرت را ندارد که مرا بدبخت کند. عمر رضی الله عنه با تعجب پرسید : تو که با این شهامت صحبت می کنی، بگو: پشتوانه تو کیست؟ چه کسی تو را از دست من در امان نگه می دارد؟ اینجا بود که او لب به سخن گشود و با سخنان شیوا و منطقی خود، عمر رضی الله عنه را منقلب کرد. این بزرگ بانوی مسلمان خطاب به فاروق رضی الله عنه فرمود : هان! بگو: آیا تو قدرت داری اسلام را از من سلب کنی؟! آیا می توانی اسلام را از قلب من بیرون آوری؟!

عمر رضی الله عنه ، همان هدیه ای است که از طرف پادشاه روم ارسال شده است. سپس شروع به توضیح دادن مطلب کرد و در پایان گفت : «ای امیرالمؤمنین، بدان و آگاه باش که شما با تمام عزت و اقتدار خود قدرت بدبخت کردن را ندارید.» این جسارت تجیفه (رضی الله عنها) همسر او را عصبانی کرد به طوری که به اعتراض علیه او برخاست و خطاب به امیرالمؤمنین گفت : آری! ای امیرمؤمنان، خداوند تو را معین کرده است که او را بدبخت کنی. چنین زنی باید ادب شود. او حقش است که بدبختش کنی! تجیفه (رضی الله عنها) برای بار دوم با کمال جرأت و شهامت عرض کرد؛ نه! به خدای سوگند که او این قدرت را ندارد که مرا بدبخت کند. عمر رضی الله عنه با تعجب پرسید : تو که با این شهامت صحبت می کنی، بگو: پشتوانه تو کیست؟ چه کسی تو را از دست من در امان نگه می دارد؟ اینجا بود که او لب به سخن گشود و با سخنان شیوا و منطقی خود، عمر رضی الله عنه را منقلب کرد. این بزرگ بانوی مسلمان خطاب به فاروق رضی الله عنه فرمود : هان! بگو: آیا تو قدرت داری اسلام را از من سلب کنی؟! آیا می توانی اسلام را از قلب من بیرون آوری؟!

خلیفه ی رسول خدا صلی الله علیه و سلم عازم شام گردید تا بر احوال مردم آن دیار واقف شود و فرمانروایی را که بر آنها گماشته بود، محک بزند. شنیده بود که از طرف پادشاه روم، هدیه ای به خانه ی ابو عبیده ارسال شده است و همین، او را کنجکاو کرده بود تا دلیل ارسال هدیه را آن هم از طرف یک پادشاه قدرتمند به یک فرماندهی اسلام بررسی کند. به همین منظور آن حضرت رضی الله عنه به خانه ی ابو عبیده تشریف فرما شد تا موضوع را بررسی کند. ابو عبیده رضی الله عنه همسری داشت به نام تجیفه (رضی الله عنها) که او نیز، زنی امانت دار و لایق بود.

معرفی اجمالی مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی امام جمعه زاهدان

مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی عضو اتحادیه جهانی علمای مسلمان، عضو مجمع فقهی مکه، امام جمعه اهل سنت شهر زاهدان و مدیر مدرسه علوم دینی دارالعلوم زاهدان، بزرگترین مرکز دینی و آموزشی اهل سنت در ایران و سرپرست شورای هماهنگی مدارس اهل سنت استان سیستان و بلوچستان می‌باشند. ایشان با عنوان «شیخ الاسلام مولانا عبدالحمید» معروف است.

مولانا عبدالحمید مدیریت دارالعلوم زاهدان را از سال ۱۳۵۶ به بعد و با دستور مولانا عبدالعزیز ملازاده رحمه الله بانی و مدیر این مرکز به دلیل بیماری قلبی و فعالیتهای سیاسی وی به عهده دارد. ایشان با مدیریت خود توانسته فعالیت بسیار زیادی برای پیشبرد اهداف دینی این مرکز نماید. همایش بزرگ

دانش‌آموختگی طلاب دارالعلوم زاهدان با شرکت چند صد هزار نفری مردم یکی از فعالیت‌های بزرگ مولانا عبدالحمید می‌باشد که سالانه در پایان سال تحصیلی مدارس اهل سنت در زاهدان برگزار می‌شود. قابل ذکر است در این همایش سالانه حدود ۲۰۰ هزار نفر از اهل سنت سراسر کشور در کنار بخشی از مهمانان خارجی شرکت می‌کنند.

کانون مدافعان حقوق بشر جایزه تلاشگر حقوق بشر سال ۱۳۹۳ خود را به خاطر تلاش «برای برقراری روابط آشتی‌جویانه بین اقوام و گرایش‌های مختلف مذهبی در استان سیستان و بلوچستان» به ایشان اهدا کرد.

پرسشگران: با عرض سلام خدمت مولانا پرسش‌های خود را مطرح می‌کنیم: موضوع بحث ما آسیب‌شناسی و بررسی فضای مجازی و ابزارهای نوین ارتباطی در دو حیطه فرهنگ و مذهب است. با توجه به پیشرفت‌های علمی بشر در امروزه، به مقتضای این، رشد تکنولوژی هم در جامعه سریع شده و البته این مسئله در نقل و انتقال مطالب خیلی کار را راحت کرده و محاسن زیادی را در این دو حوزه فرهنگ و مذهب به دنبال داشته است. اما با این وجود در حوزه فرهنگ این آسیب‌ها و آفت‌ها، در واقع به عنوان مسائل ضد فرهنگی جامعه و خانواده و جوانان ما را به خود مشغول داشته به صورت کلی اگر بخواهم عرض کنم هم مسئله ابتدال در پوشش جوان‌ها و هم تحمل‌گرایی‌ها و شکست حریم خانواده‌ها و... امروزه گریبان‌گیر جامعه اسلامی شده است.

اینکه عرض می‌کنم اعم از سایت‌ها و ماهواره‌ها و کانال‌های تلویزیونی که به این منظور تاسیس شده و در خارج از کشور به زبان فارسی هستند. توصیه شما از این‌گونه رسانه‌ها و آفت‌های اینها برای جوانان چیست؟

مولانا عبدالحمید: بسم الله الرحمن الرحیم. در گذشته دشمنان فرهنگ اسلامی و دین وقتی می‌خواستند فرهنگ‌های خودشان را ترویج کنند در بلاد اسلامی، به هر حال با صورت‌های دیگری بود که مثلاً بعضی از مسلمانان در بلاد آنها می‌رفتند و متأثر می‌شدند و یا افرادی که به صورت توریست می‌آمدند و جهانگرد بودند که فرهنگ‌های خودشان را تبلیغ می‌کردند یا در رسانه‌هایی که در آن زمان مانند مجله و نشریه و این مسائل. حالا امروز چالش جدی است برای فرهنگ اسلامی که در امروز با توجه به ماهواره‌ها و اینترنت و مسائل جدیدی که هست با توجه به پیشرفت تکنولوژی که به هر حال کانال‌های تلویزیونی هستند و همچنان اینترنت و مسائل گوناگون که به فرهنگ اسلامی یورش آورده‌اند مخصوصاً الان غربی‌ها و اروپایی‌ها بخش بزرگی از این کانال‌های تلویزیونی که ماهواره‌ای هستند در همینجاها کار می‌کنند و این هزینه‌های هنگفتی را خرج می‌کنند که مردم شریف ایران را و ملت‌های مسلمان را از مسیر صحیح برگردانند و امروز خطرات جدی است و الان هم بخشی از این ماهواره‌هایی است که تنها کارشان این است ماهواره‌هایی که به زبان فارسی می‌پردازند که بخش بزرگی هستند که تمام برنامه‌هایشان درباره کاری است که مسلمان‌ها را به بی‌بندباری بکشند و حجاب را از سر مسلمان بردارند و نکاح و ارتباطات اسلامی که بین زن و مرد وجود دارد را کم‌رنگ کند و بیشتر دوست دختر و پسر را مطرح می‌کنند تا زنان را با مردان بیگانه و مردان را در زنان اجنبی و بیگانه بکشانند لهذا چالش امروزه، چالش بسیار جدی است و خطرناک است و لازم است که مسلمانان بیدار باشند مخصوصاً جوانانی که با اینترنت سر و کار دارند و استفاده‌های اشتباه از اینترنت می‌کنند و این تهدیدی جدی و بسیار خطرناک است و باید جوانان عزیز و مردم بیدار باشند و این آسیب را جدی بگیرند و فکری به حال این آسیب



باید بکنند.

الآن به زبان فارسی ۵۰ کانال از طریق ماهواره قابل دریافتند بیشتر در این کانال ها به همین مسائل مشغولند و وضع این آسیب واقعا جدی است که شما پیدا کردید تا

وسایل ارتباط جمعی در هر خانه موجود است و در هر روستایی است به خاطر وجود همین ارتباطات فعلی که موجود است مثل ماهواره ها که در حقیقت می خواهند فرهنگ خودشان را به فرهنگ

آثار سوء ماهواره در شهرستان ها هم فراوان است حتی در روستاها هم این آثار ظاهر شده و نمایان است تا حدی که مشخص است این ابتدال ها از تبلیغات همین ماهواره ها و اینترنت به وجود می آید.

حدی که آثار سوء آن در شهرستان ها فراوان است حتی توی روستاها هم این آثار ظاهر شده و نمایان است تا حدی که مشخص است که از تبلیغات همین ماهواره ها با اینترنت بوجود می آید. اگر الان ما بگوئیم که استفاده نکنید یا مقابله با ماهواره بشود امکان پذیر نیست و لهذا ما باید جامعه را به سوی تقوا و خدا ترسی و مسلمانان را به سوی بیداری سوق دهیم و آسیب شناسی باید بشود و مردم باید آسیب ها را بدانند که جریان چه است و دشمن چه می خواهد.

پرسشگران: نظر شما به طور کلی با توجه به این که تهاجم ضد فرهنگی در این ماهواره ها و این وسائل ارتباط جمعی وجود دارد آیا نظرتان منع و نهی است یا برای کنترل این مسئله در جامعه مسلمان بخصوص اهل سنت ایران چه روش دیگری را برای استفاده از این ابزار ها و ماهواره ها توصیه می کنید؟

مولانا عبدالحمید: اینکه بگوئیم اصلا ارتباط با ماهواره نگیرید و یا اینترنت استفاده نکنید این امکان پذیر نیست و راه اسلام این است که توصیه ما هم این است که جامعه استفاده صحیح و درست از ماهواره و اینترنت بکند و از استفاده های غلط که بر خلاف دین ما است و بر خلاف تقوا است و بر خلاف شریعت است باید بپرهیزند.

بالاترین تهدید و چالشی که امروز در اسلام وجود دارد در واقع در حوزه فرهنگ است و دشمنان چون از این کانال وارد شدند چون این

اسلام غالب کنند و ما به تعبیری می گوئیم که جنگ امروزی در خاورمیانه و جنگ هایی که راه انداختند و مشکلاتی که درست کردند و اختلافاتی که بوجود آوردند کلا بخاطر آن است که اینها احساس می کنند که فرهنگشان که مدتهای مدیدی اینها بین مسلمانان تبلیغ کردند به مخاطره است و إلا برای اینکه فرهنگشان را می توانند در منطقه نگهداری کنند در دینداری اسلامی که خلاف این فرهنگ است و برای فرهنگ اسلامی و فرهنگ غنی اسلامی در قلمروی عالم اسلام نفوذ داشته باشد و جاری شود این همه اختلاف ها راه می اندازند که پیکره اسلام را ناکام کنند و در

نتیجه مسلمان ها نتوانند فرهنگشان را حاکم کنند بلکه مثل غربی ها واقعا با فرهنگ غنی اسلامی در بلاد اسلامی حاکم باشد.

الآن بالاترین جنگ، جنگ فرهنگ است بعضی ها می گویند بخاطر منافع مادی ولی این را من قبول ندارم چون منافع مادی هست ولی بالاترین مسائل، مسائل فرهنگی است و اینها دارند مبارزه می کنند و از هر طریق وارد شده و هزینه می کنند و میلیاردها دلار هزینه می شود تا از طریق رسانه ها و از طریق این وسائل جدید و امکانات و آلات جدید بتوانند مسلمانان را از فرهنگ اسلامی دور کنند و فرهنگ سالم اسلامی را به فرهنگ

خودشان که در مسیر خلاف فطرت اسلامی است سوق بدهند. لهذا وظیفه همه ما و وظیفه خانواده ها و وظیفه دانشجویان و وظیفه همه انسانهایی که در این باره می اندیشند و بیداری دارند نسبت به نسل جدید خصوصا نسبت به جوانان سنگین است.

پرسشگران: به سفارش دین ما، امت اسلامی باید امتی اعتدال گرا باشد، اما آسیب شناسی که امروزه در حوزه مذهبی مطرح می شود، بحث خشونت گرایی و افراط است که دوری از محبت و مودت نبوی و سیره صحابه رضی الله عنهم را در پی دارد؛ در

یعنی دینی که نه افراط در آن باشد و نه تفریط باشد. اسلام دین صلح است یعنی اسلام دین دوستی است و ما باید حق دیگران را بشناسیم و رعایت کنیم و کرامت انسانیت و انسانها باید مراعات بشود و آزادی انسانها باید در نظر گرفته شود و در نظر اسلام ادیان دیگر کاملا آزادی دارند و مشکلات و پایبندی به آنها نیست و مکانهای مذهبی آنها حرمت دارد و هیچ مسلمانی حق ندارد به مکانهای مذهبی آنها تعرض کند و به آزادی دینی آنها تعرض کند؛ لذا اسلام را همانطور که اسلام است بیان کنیم، مسئولیت همه ما سنگین است که اسلام را بیان کند و همانطور که قرآن عظیم الشان و سنت حضرت رسول صلی



الله علیه وسلم همانطور که سنت برتر است بیان شود اما متأسفانه می خواهند دین اسلام را دین خشن و دینی که الگو نیست جلوه دهند دین کشتار و لذا باید طرح هایی را که دشمنان اسلام امروز دارند که از گسترش اسلام جلوگیری کنند و مسلمانان را در مسیرشان در اسلام به شک ببندازند، بیشتر تبیین بشود و بیان شود چون زندگی و تاریخ گذشته مسلمانان روشن است.

پرسشگران: آنچه که امروزه مورد سوال تعداد زیادی از اهل سنت و به خصوص دانشجویان قرار گرفته، این است که در رسانه ها و کانال

دهه های اخیر این آفت بیش از پیش دامن گیر جامعه اسلامی شده است، پیشنهاد شما به جوانان برای در امان ماندن از آفت ها و خطرات این جریان های افراط گرا چیست؟

مولانا عبدالحمید: جریاناتی که امروز در دنیا بوجود آمده در حقیقت اکثرا معلول عوامل مختلفی هستند که فعلا نمی خواهیم به این بحث بپردازم اما اصل این است که اسلام دین بسیار وسیع و دین بسیار جامع و دین بسیار کاملی است و دین وسط و میانه و معتدل است اسلام یعنی همان اعتدال گرایی

های دینی هم علاوه بر ترویج معارف قرآن و سنت، اما به نوعی به مباحث تفرقه انگیز میان مذاهب اسلامی می پردازند، به گونه ای که بیان

بهترین عمل، دفاع از حریم اصل اسلام است و واقعا چیزهایی که جوانان می گویند راست می گویند که اختلافات خسته کننده است لذا باید همه دور اندیشی داشته باشند

دشمنان سعی می کنند که کانال های ماهواره ای را با هم درگیر کنند و اختلاف و تفرقه درست کنند و ما هم قبلا هشدار دادیم و گفتیم که این پدیده خطرناکی است

این اختلافات در رسانه های دینی، موجب روی گردانی جوانان از منبر علما و برنامه های دینی مساجد شده است، از دیدگاه شما چگونه می توان جوانان را در مقابل این آسیب در امان نگه داشت؟ چه توصیه ای به مسئولین این شبکه ها دارید؟

و اصل اسلام را ببینند و بحث از گرایش های خاص و برداشت ها باید در مجالس خاص و علمی برداشته شود و کشاندن این مسائل به رسانه ها و کانال های عمومی اختلاف را تحریک می کند.

با تشکر از مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی که این وقت را در اختیار پرسشگران قرار دادند.

مولانا عبدالحمید: بله اینها واقعا آسیب است و مصیبتی که وجود دارد دشمنان سعی می کنند که کانالهای ماهواره ای را با هم درگیر کنند و اختلاف و تفرقه درست کنند یعنی اختلافات فرقه ای و اختلاف مذهبی. کانال ها که مشغولند اعم از اهل سنت و شیعه و ما هم قبلا هشدار دادیم آن زمانی که بعضی از شبکه ها ظهور کردند و شروع کردند بر پرخاشگری و اعتراض بر مذهب و دین، گفتیم که این پدیده خطرناکی است و در آینده سبب می شود که دهها کانال ماهواره ای به وجود بیاید و همه اینها به هر حال به عنوان دفاع از خود بر دیگران توهین کنند و بر دیگران بتازند و اینها و این چیزها به نفع اسلام نیست و ما امروز در عصری هستیم که کل اسلام در حمله و هجمه دشمنان است بهترین روش برای ماهواره ها این است که اینها در دفاع از اسلام و دفاع از ساحت مقدس حضرت رسول صلی الله علیه و سلم و از قرآن عظیم الشان و اصل اسلام دفاع کنند و بهترین روش هم این است زیرا این روش بهترین راه همدلی است و بهترین راه برای وحدت است بجای اینکه به مسائل خاص یک مذهب بپردازند که باعث تفرقه و اختلاف شود. زیرا

آشنایی اجمالی با مدرسه دارالعلوم زاهدان

دارالعلوم زاهدان یا حوزه علمیه مکی زاهدان یکی از حوزه های علمیه اهل سنت ایران به شمار می رود و در زندگی معنوی اهل سنت ایران نقش چشمگیری دارد. این مدرسه را مولانا عبدالعزیز ملازاده در سال ۱۳۴۹ در شهر زاهدان بنیان گذاری کرد. این مرکز تا کنون حدود دو هزار طلبه (مرد و زن) داشته است. در آغاز مسجد جامع آن زمان مسجدی کوچک بود که روزهای جمعه پر نمی شد، مولوی عبدالعزیز ملازاده در این مسجد شروع به تدریس نمود. در همین زمان مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی یکی از امامان جمعه اهل سنت زاهدان و نیز رئیس فعلی حوزه علمیه زاهدان وارد زاهدان شد و بنابه دعوت مولانا عبدالعزیز به تدریس اشتغال ورزید.

مولانا عبدالعزیز ملازاده در سال ۱۳۵۹ هـ ش، دچار ناراحتی قلبی

شد و در ۲۱ مرداد سال ۱۳۶۶ در شهر مشهد درگذشت و مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی رئیس این مدرسه شد. بعد از انقلاب و با وجود آمدن فضای مناسب اسلامی رفته رفته به تعداد طلاب افزوده شد. در سال ۱۳۶۴ محمداقاسم قاسمی توسط مدیریت حوزه، مولانا عبدالحمید، به این حوزه دعوت شد و مسئولیت امور تعلیم و تربیت به او واگذار شد. در این زمان و با ابتکار او تحول علمی و فرهنگی خاص در حوزه به وجود آمد و آموزش زبان عربی پیشرفت قابل ملاحظه ای کرد. طی سالهای بعد تعداد طلاب افزایش یافت و به علت کمبود فضای آموزشی منازل اطراف حوزه خریداری شده و بر آن افزوده شد. از جمله اقدامات مولانا عبدالحمید، تاسیس دفتر امور دانشجویی در حوزه علمیه زاهدان، تهیه خوابگاه دانشجویی تحت نظارت این مرکز، و برگزاری جلسات اصلاحی و تربیتی برای دانشجویان بوده است.



استفاده از ابزار جدید الکترونیکی برای اهداف دینی

اهمیت استفاده از شبکه های تلویزیونی برای پیشبرد اهداف دینی مدتیست احساس می شود؛ به دلیل آنکه امروزه این شبکه ها به عنوان گسترده ترین و مؤثرترین رسانه ها شناخته می شوند در عین حال خطرناکترین سلاح غرب هستند که از طریق آنها در سطح وسیعی به مبارزه فکری و اخلاقی علیه مسلمانان و تبلیغات منفی علیه اسلام و عقاید اسلامی می پردازد.

یکی از اصول مسلم جنگ این است که مدرن ترین سلاحی که در دست دشمن است، طرف مقابل باید به سلاحی قوی تر از آن مجهز باشد. یا دست کم به سلاحی مجهز باشد که از سلاح های دشمن پائین تر نباشد؛ در غیر این صورت رویارویی با دشمن مشکل خواهد شد.

چند سال پیش به بهانه ای "مجمع جهان اسلام"، (World Islamic Forum)، تلاش کردیم برای دعوت و تبلیغ و دفاع از اسلام در سطح جهانی یک شبکه تلویزیونی - ماهواره ای راه اندازی شود. برای نیل به این هدف، در لندن سمینارها و جلسات مختلفی برگزار کردیم و کارهای کارشناسی آن توسط مولانا محمد عیسی منصور، مولانا مفتی برکت الله، نگارنده و برخی دیگر از علمای کرام صورت گرفت. با وجود فعالیت منظم بر امور مقدماتی، به دلیل کامل نشدن امکانات و... این طرح به مرحله اجرا نرسید. از همین رو اگر مولانا عبدالحفیظ مکی و یارانش برای آن تلاش می کنند، ما بی نهایت خوشحال می شویم و برای موفقیت آنان دعا می کنیم.

در روزهایی که ما تحت عنوان «مجمع جهان اسلام» در حال تلاش بودیم، بسیاری از دوستان درباره جواز شبکه های تلویزیونی سوال می کردند. پاسخ ما به این دسته از عزیزان این بود:

«تا جایی که به ضرورت استفاده از

شبکه های اجتماعی مربوط است، خصوصاً زمانی که حالت جنگ باشد، یک مرحله از ضرورت اینگونه خواهد بود که فقهای کرام طبق اصل «الضرورات تبيح المحظورات» از جواز و عدم جواز برخی امور چشم پوشی می کنند. مثال واضح این اصل قوانین جنگ در جهاد است؛ اسلام برای جهاد و جنگ اصول، ضوابط، احکام و قواعدی وضع کرده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد آن راهنماییهای واضح و شفافی بیان فرموده اند.

از این رو برای بمب اتم و بمبهای شیمیایی و فسفوری هیچ جوازی نمانده و سلاحی که بدون استثناء و تشخیص تمام شهر و آبادی را زیر و رو کند، برخلاف اصول جنگی اسلام است. ولی اگر دشمنان اسلام به این سلاح مجهز باشند، برای حفاظت از شر آنان، مجهز شدن ما به این سلاح نیز ضروری می شود. به همین دلیل بسیاری از کشورهای اسلامی بدون در نظر گرفتن جواز و عدم جواز، برای رسیدن به قدرت هسته ای و استفاده از آن به عنوان سلاح، مدام در حال تلاش و کوشش هستند. صدایی در مخالفت این امر نیز بلند نمی شود که سلاحه ای اتمی مخالف اصول جنگی اسلام و برخلاف رهنمودها و فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است! چنان که مشاهده می شود به جای دست کشیدن از این قضیه، بسیاری از محافل دینی و کشورهای اسلامی در حال تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت هسته ای هستند.

به همین صورت اگر شبکه های تلویزیونی - ماهواره ای به عنوان مؤثرترین و خطرناک ترین سلاح مورد استفاده علیه اسلام و مسلمانان شناخته شوند، به نظر بنده جایی برای بحث در مورد مجاز یا غیرمجاز بودن آن باقی نمی ماند. زیرا طبق اصل «الضرورات تبيح المحظورات» که فقها بیان داشته اند، امروزه مصداقی عینی تر و واقعی تر از این مسئله نخواهد بود.

*حکم عکس

گفته می شود رسول اکرم صلی

الله علیه و سلم عکس (تصویر) را صراحتاً حرام قرار داده اند و تلویزیون نیز در حکم عکس قرار دارد و ناجایز است. در اینجا ذکر دو موضوع حایز اهمیت است؛ نخست اینکه حکم شرعی تصویر و عکس [اشیای جاندار] چیست؟ دوم آنکه آیا اشیای جاندار که بر



آمده است، زمانی که حضرت سهل بن سعد برای عیادت ابوطلحه انصاری تشریف بردند، شخصی به ایشان گفت که حصیری که روی آن نشستاید را جمع کنید؛ حضرت سهل رضی الله عنه دلیل آن را پرسیدند که در جواب گفت: روی آن عکس است. حضرت سهل فرمودند آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در زمان بیان حرمت عکس نفرمودند «إلا الرقم فی الثوب»؟ (تصاویر منقوش بر پارچه مستثنی است). حضرت ابوطلحه انصاری رضی الله عنه فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم این را فرمودند، اما من آن را بیشتر دوست دارم.

مولانا احمدعلی سهارنپوری در مورد روایت بخاری در حاشیه آن از فقهای مختلفی نقل قول کردند و تحلیل قاضی ابنالعربی در مورد احکام تصاویر را نیز نقل کردند که خلاصه آن این است: تصاویر به صورت جسم یعنی بت و مجسمه به اجماع امت حرام است، اما در مورد نقش تصاویر بر کاغذ و پارچه چهار دیدگاه از علمای کرام وجود دارد:

صفحه تلویزیون ظاهر می شوند در حکم عکس حرام هستند؟ شکی در حرام بودن تصویر نیست و هیچ گروهی از علمای امت قائل به جواز آن نیست، اما آیا حرمت عکس شامل تمام صورتها و اشکال آن است؟ در این مورد اختلافی است که از زمان صحابه تاکنون ادامه دارد. در جامع صحیح بخاری از حضرت زید بن خالد جهنی رضی الله عنه روایتی از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده: در خانه ای که عکس باشد، فرشته ها داخل نمی شوند. اما بسر بن سعید رضی الله عنه می فرمایند یک دفعه حضرت زید بن خالد جهنی رضی الله عنه بیمار شدند و ما برای عیادت ایشان به منزلش رفتیم، در آنجا مشاهده کردیم که پرده ای که پشت درب نصب است، عکس دارد. از حضرت عبدالله (پسر حضرت میمون) جو یا شدم که مگر حضرت زید بن خالد رضی الله عنه خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم این روایت را نقل نکردند؟ پس چرا پرده هایی را که روی آنها عکس است نصب کردند؟ ایشان

مطلقاً ممنوع است؛ ۲- مطلقاً جایز است؛ ۳- اگر شکل و کیفیت عکس باقی باشد، حرام است اما اگر سر آن قطع شود و اجزای آن جدا شوند، جایز است؛ ۴- اگر عکس به نیت احترام و تعظیم گذاشته شود پس ناجایز است اما اگر هدف تعظیم و تکریم آن نباشد، جایز است.

قاضی ابن العربی از این چهار قول، سومین مورد را ترجیح داده است. اما مولانا احمدعلی سهارنپوری با استناد به موطأ امام محمد، موضع احناف را از زبان امام محمد رحمه الله چنین بیان می کند: «ما این دیدگاه و موضع را انتخاب می کنیم که اگر عکس بر بستر، حصیر

این دو موضوع است: ۱) کیفیت و ماهیت؛ که آیا نقش تصاویر بر کاغذ یا پارچه حرام هست یا خیر؟ ۲) هدف و مقصد؛ یعنی عکسی که هدف از نگه داشتن آن احترام نباشد و هیچ ادب و تعظیمی برای آن مدنظر نباشد، آیا در حرمت شامل می شود یا خیر؟

در این خصوص موضع احناف این است که در احترام و ادب تصویر تفاوت ملحوظ شده اند و تصویری که در آن ادب و حرمت مدنظر نباشد در آن هیچ مضائقه ای ندیده اند. با وجود اختلاف نظر آشکار فقهای متقدمین در این مسئله، جایی برای این همه سخت گیری نمی ماند

آید، آیا صدای اصلی امام است یا بازگشت صدای اوست. اگر صدای اصلی امام است پس نماز صحیح می باشد و اگر صدای اصلی نیست پس نماز مقتدیان با اقتدا به آن صدا درست نیست. چنان که آن دسته از مفتیان کرام که پس از تحقیق به این نتیجه رسیده بودند صدای اصلی امام از طریق بلندگو مستقیماً به گوش شنوندگان می رسد، استفاده از بلندگو را جایز قرار دادند و آن دسته از مفتیانی که بنا بر تحقیق آنها صدای پخش شده از بلندگو صدای اصلی نیست، فتوا بر ناجایز بودن آن صادر کردند.

ذکر لطیفه ای در اینجا شاید نامناسب نباشد؛ چند سال پیش در

*نتیجه بحث

با این توضیحات روشن شد که نزد این بزرگواران حکم سینما و تلویزیون با حکم تصویر و عکس متفاوت است. اساس دیدگاه های این بزرگواران در خصوص جواز یا عدم جواز آن به اصلیت و کیفیت آن مربوط نیست بلکه به هدف و مقصد آن می نگرند، همانطور که احناف بنا بر قول امام محمد رحمه الله در مورد تصویر موضعگیری کرده اند، به همین دلیل رأی ما در مورد اینگونه مسائل اجتهادی آن است که تا حد امکان نباید زیاد سخت گیری شود و طبق دلایل معقول باید مصلحت جامعه و نیازهای آن لحاظ شوند. در جایی خواندیم که مزارعت (اجاره زمین برای کاشت) را امام ابوحنیفه رحمه الله ناجایز دانسته و صاحبین (امام ابویوسف و امام محمد) قایل به جواز آن بودند. در این باره محدث و فقیه مشهور حنفی، حضرت ملاعلی قاری رحمه الله، پس از نقد و بررسی دلایل دو طرف این گونه می فرمایند: «از نظر دلایل، موضع امام ابوحنیفه رحمه الله قویتر است، اما چونکه مصلحت در قول صاحبین ملاحظه شده، فتوا بر قول صاحبین داده می شود.»

نگارنده: مولانا زاهد الراشدی
(ماهنامه ابلاغ)

برگردان: عبدالحمیم شه بخش



منطقه «مانسهره» (هزاره) سمیناری تحت عنوان «علم و دانش» برگزار شد. در این سمینار بنده به عنوان مهمان خصوصی دعوت بودم. یک جوان با الفاظ تند و تیزی سوال کرد که مولویها را چه شده که یک عده بلندگو را حرام قرار می دهند و گروهی دیگر بدون آن نماز نمی خوانند؟! من در جواب عرض کردم تا حالا هیچ عالمی استفاده از بلندگو را حرام قرار نداده، فقط در مورد استفاده از آن در دوران نماز اختلاف است و در این قضیه، مولویها هم هیچ تقصیری ندارند؛ زیرا این مسئله فنی و تکنیکی است. علمای کرام برای استفسار به مهندسان و اصحاب فن مراجعه کردند؛ گروهی از دانشمندان گفتند که صدای پخش شده از بلندگو، همان صدای اصلی است که بنا بر

که برای عدم جواز، حکم «حرمت قطعی» صادر شود. روی دیگر این مسئله این است که آیا تصاویر موجود در صفحه نمایش تلویزیون در حکم عکس هستند یا خیر. این یک بحث تکنیکی و فنی است که یک مسئله اجتهادی به حساب می آید؛ با توجه به دلایل و مصلحت های مفتیان کرام در هر دو طرف امکان بحث است. در جامعه ما نیز کم و بیش روی این مسئله بحث شده است. زمانی که تازه بلندگو اختراع شده بود در محافل علمی ما این بحث پیش آمد که آیا استفاده از آن در نماز جایز است یا خیر؟ و آن مقتدی که فقط با صدای بلندگو بر امام اقتدا می کند، آیا نمازش صحیح می شود یا خیر؟ اصل اختلاف بر این نکته بود که صدایی که از بلندگو می

و فرش یا بالش و... باشد که هیچ احترامی برای آن قایل نشود، پس در آن مشکلی نیست؛ اما تصویری که بر دیوار نصب باشد یا بر پرده آویزان منقوش باشد، مکروه است. قول امام ابوحنیفه و قول ما (احناف) نیز همین است.»

شارح حنفی مذهب صحیح بخاری، علامه بدرالدین العینی رحمه الله، در «عمده القاری» از امام ابوحنیفه رحمه الله نیز همین قول را نقل کرده و فرموده که قول امام مالک، امام شافعی، امام سفیان ثوری و امام ابراهیم نخعی نیز همین است. بدون اشاره به جزئیات، فقط به این چند مورد اشاره کردیم تا واضح شود که با وجود اجماع تمام امت در حرمت تصویر، اختلاف نظر در اشکال مختلف آن از زمان صحابه تاکنون ادامه دارد و اساس آن بر

افسردگی شبکه های اجتماعی (قسمت اول)

ساده باعث می شود تا احساسات ما با فضای مجازی بیشتر گره بخورد. به همین دلیل است که برخی از کاربران امروزی به نوعی اختلال موسوم به «افسردگی شبکه های اجتماعی» مبتلا شده اند تا بیماری آنها در ارتباط با نحوه استفاده از این پلتفرم ها توصیف شود.

افسردگی مجازی

افسردگی شبکه های اجتماعی اصطلاحی است که این روزها در جوامع غربی مورد استفاده قرار می گیرد و البته پزشکان هنوز موفق نشده اند که یک تعریف دقیق برای آن ارائه دهند و معیارهایی را به کار گیرند تا مشخص شود این نوع افسردگی چه زمان و با چه شدت و وضعی در کاربران ایجاد می شود. مرجع رسمی روانپزشکان و کارشناسان حوزه سلامت روانی در آمریکا نیز توضیح داده که راهنمای تشخیص دقیق این بیماری هنوز به دست نیامده است و البته برخی مطالعات و آمارها این اختلالات روانی را تأیید می کند. اگر چه افسردگی شبکه های اجتماعی هنوز مشروعیت علمی ندارد، اما تفاوت رفتارهای اجتماعی در افرادی که به صورت دائم خود را درگیر فیس بوک، توئیتر، LinkedIn، MySpace، و ... کرده اند،



می دهد. اینکه شما بررسی صفحه شخصی خود در فیس بوک را به تلفنی که در حال زنگ خوردن است ترجیح دهید، لایک شدن تان در فیس بوک برایتان اهمیت داشته باشد، میزان توییت شدن مطلبی که روی توئیتر قرار داده باشید ذهن شما را به خود درگیر کند یا تعداد کسانی که در توئیتر صفحه شما را دنبال می کنند به یک مسئله مهم تبدیل شود، می تواند نشان از ورود به فرآیند درگیری های ذهنی و افسردگی های ناشی از حضور در شبکه های اجتماعی باشد.

این مثال های کوچک نشان می دهند که شبکه اجتماعی تا چه

به وضوح دیده می شود. برخی محققان در بررسی های جدید خود به این نتیجه رسیده اند که بین افسردگی و میزان استفاده از اینترنت رابطه مستقیم وجود دارد و البته در مطالعات دیگر آمارهای متفاوت به دست آمده است. کارشناسان هنوز به درستی متوجه نشده اند که شبکه های اجتماعی چگونه باعث بروز افسردگی می شوند و چه نکاتی در سایت هایی از این دست وجود دارد که افرادی با زمینه های افسردگی را بیشتر تهدید می کند. با همه این توضیحات، کارشناسان حوزه بهداشت و سلامت روانی با اطمینان کامل به این نتیجه رسیده اند که

مخفی کردن احساسات و شاد نشان دادن پشت دیوار شیشه ای رایانه از جمله اتفاقاتی است که کاربران به دنبال حضور در شبکه های اجتماعی انجام می دهند و همین اتفاق باعث می شود تا آنها بیشتر درگیر اختلالات روانی شوند.

اندازه می تواند بر اخلاق و حالات روحی شما تأثیر بگذارد. حتی در برخی بررسی ها مشخص شده است که این قبیل پلتفرم ها می توانند به نحوه زندگی مبتلایان بر افسردگی هم تأثیر بگذارند و زمینه های بیماری را در آنها تشدید کنند. این مسئله در مطالعات علمی به اثبات رسیده است که اعتماد به نفس پایین، افکار منفی، اضطراب های اجتماعی و تقویت زمینه های افسردگی با حضور بیش از اندازه در شبکه های اجتماعی گسترش می یابد و کاربر را بیش از پیش درگیر می کند.

مخفی کردن احساسات و شاد نشان دادن پشت دیوار شیشه ای رایانه از جمله اتفاقاتی است که کاربران به دنبال حضور در شبکه های اجتماعی انجام می دهند و همین اتفاق باعث می شود تا آنها بیشتر درگیر اختلالات روانی شوند.

پزشکان توصیه می کنند برای آنکه از این اختلالات و مشکلات روانی در امان باشیم بهتر است برای حضور در شبکه های اجتماعی مانند دیگر اتفاقات زندگی، تعادل را رعایت کنیم.

ادامه دارد...

کودکان و نوجوانان بیش از دیگر اقشار جامعه از شبکه های اجتماعی و رسانه ای تأثیر می پذیرند و این در حالی است که افسردگی مذکور در زنان بیشتر از مردان دیده می شود. در بخش دیگر باید به این مسئله اعتراف کرد که شبکه های اجتماعی مزایای فراوانی را هم به همراه می آورند. به عنوان مثال، فیس بوک به عنوان محبوب ترین شبکه اجتماعی بین جوانان باعث افزایش سرمایه اجتماعی این افراد شده است که نتیجه آن را می توان در ارتقای اعتماد به نفس و میزان رضایت از زندگی مشاهده کرد. افراد در گروه های سنن تر نیز توانسته اند به میزان زیاد مزایای شبکه های اجتماعی را در اختیار بگیرند.

حضور بیش از حد مجاز

آیا فکر می کنید شما هم بیش از اندازه درگیر شبکه های اجتماعی شده اید و شبانه روزتان با این سایت ها سپری می شود؟ در نخستین گام باید این سوال را از خود پرسید که چرا از یک شبکه اجتماعی استفاده می کنید و حضور در آن تا چه اندازه حس مثبت به شما انتقال



پرسشگران
مناشجویان اهل سنت ایران

تَقَاظًا نَامَه پَرَسَشْگَرَان

با توجه به عدم شناخت کافی از علماء و اندیشمندان اهل سنت در مناطق مختلف ایران، لطفاً با معرفی شخصیت‌ها، ائمه جماعات و جمعه، علماء و بزرگان در مناطق خود، ما را در انجام مصاحبه‌های بیشتر و استفاده از آراء و افکار گوناگون یاری رسانید

راه‌های ارتباطی پرسشگران

سایت:

www.porsesh-garan.com

ایمیل:

porseshgaranesonat@gmail.com

واتسن آپ:

۰۹۳۸۵۷۵۰۴۱۷